■ فرماندهان نظامی دنیا جلوی این مرد زانو می‌زدند و فنون نظامی را از ایشان یاد می‌گرفتند. پوتین در دنیا آدم کمی نیست و به رؤسای جمهور دنیا ۲۰ دقیقه بیشتر وقت دیدار نمی‌دهد. شهید سلیمانی وسط دیدار با پوتین نمازش را سر وقت می‌خواند و همین کارها باعث شد پوتین بگوید من عاشق این مرد شدم

گفت‌وگوی «وطن امروز» با حجت‌الاسلام ماندگاری درباره ابعاد معنوی سبک زندگی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

پرواز تا بی‌نهایت

شاید بتوان بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین وجه تمایز فرماندهی سردار شهید سپهبد حاج‌قاسم سلیمانی با سایر فرماندهان ارشد نظامی جهان را اخلاص و معنویت پررنگ این شهید والامقام دانست. همرزمان و اطرافیان ایشان پیوسته از توکل همیشگی‌اش بر خداوند و توسل زیاد به اهل بیت عصمت و طهارت می‌گویند. عجب نیست ایشان به واسطه این ویژگی‌های معنوی به چنین توفیقی در حوزه دفاع از امنیت ایران اسلامی و منطقه و همچنین محبوبیت بالا در قلوب مردم ایران و مسلمانان جهان دست پیدا کند. قرآن کریم وعده و تضمین این معامله را داده؛ آنجا که فرمودم است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دل‌ها قرار می‌دهد». حاج‌قاسم سلیمانی به واسطه معامله پرسودی که با خداوند کرد، به خیر و سعادت دنیا و آخرت دست یافت و اهل معنا عامل اصلی این سعادت دنیوی و آخروی را توسل زیاد ایشان به اسباب معنوی ذکر می‌کنند. به همین منظور و برای بررسی بیشتر این موضوع با حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدمهدی ماندگاری گفت‌وگو کردیم.

■ رهبر حکیم انقلاب در تعبیری پس از شهادت حاج‌قاسم سلیمانی، ایشان را صاحب یک مکتب نامیدند؛ این مکتب چه ویژگی‌ها و ابعادی دارد؟

البته در ابتدا باید گفت شهید سلیمانی یک نمونه امروزی مکتب امام بزرگوار بود. متاسفانه ما در تبیین مکتب حضرت امام خمینی کوتاهی کردیم. مکتب امام یک نمونه‌ای از مکتب جهاد و شهادت قرآن است و براساس آیه ۴۴ سوره نحل؛ «لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»؛ باید این مکتب را تبیین و ترویج کنیم که ما در این تبیین هم کوتاهی کردیم.

به هر حال اگر بخواهیم چند ویژگی و خصیصه برای مکتب حاج قاسم ذکر کنیم، باید بگوییم مکتب شهید سلیمانی مکتب التماس است. در قرآن ۳ آیه التماس داریم، آیه ۸۸ سوره یوسف، آیه ۹۷ سوره یوسف و آیه ۳۵ سوره مائده «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوااللهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

انسان علاوه بر توسل به اسباب معنوی باید توسل به اسباب مادی هم بکند. مکتب شهید سلیمانی، مکتب توسل به اسباب است. در ذیل مکتب التماس، مکتب توسل به اسباب است. ما باید از دنیا در اسباب مادی جلوتر باشیم. دنیا هر چقدر زور بزند، اسباب مادی را بخوبی پیدا کرده اما ما هم اسباب مادی و هم اسباب معنوی داریم.

در مکتب شهید سلیمانی این اسباب معنوی بسیار رونق داشت. آیه ۱۵۳ سوره بقره می‌گوید از نماز و عبادات کمک بگیرید. این اسباب معنوی است. برای مثال هر یک از علما، اگر در مساله‌ای در فقه و کلام گیر می‌کردند، ۲ رکعت نماز می‌خوانند و جواب می‌گرفتند. نماز بخوانید و عبادت کنید، فکرتان باز می‌شود. بنابراین نخستین اسباب، نماز و عبادت است.

دومین اسباب، در آیه ۱۵۲ سوره بقره، «ذکر» است. اگر می‌خواهیم خداوند به یاد ما باشد، ما نیز باید به یاد خدا باشیم. آیه ۱۲۴ تا ۱۲۶ سوره طه می‌فرماید اگر شما از ذکر من روی گردان باشید، کور می‌شوید. انسان کور هم نمی‌تواند مسائل را تشخیص دهد. حاج‌قاسم ذکر داشت.

فرماندهان نظامی دنیا جلوی این مرد زانو می‌زدند و فنون نظامی را از ایشان یاد می‌گرفتند. پوتین در دنیا آدم کمی نیست و به رئیس‌جمهورهای دنیا ۲۰ دقیقه بیشتر وقت دیدار نمی‌دهد. شهید سلیمانی وسط دیدار با پوتین نمازش را سر وقت می‌خواند و همین کارها باعث شد پوتین گفت من عاشق این مرد شدم. اگر عباس بابایی آنطور توانست افتخار بیافریند، چون در اتاق ژنرال آمریکایی هم نماز اول وقت خواند ولی گاهی وقت‌ها من طلبه هزار توجیه برای تأخیر نماز می‌آورم.

خداوند در آیه ۱۵۲ سوره بقره و آیه ۶ سوره ابراهیم می‌فرماید: یکی از اسباب معنوی شکر است. به شکرانه توانی که خداوند به شما داده، خدمت کنید. به شکرانه بیانی که خداوند به شما داده، زکات علم دهید. به شکرانه آبرویی که خداوند به شما داده، گره‌گشایی کنید. همه اینها مکتب سلیمانی است.

حاج‌قاسم چه ربطی به دور زدن تحریم‌ها داشت؛ اما گفت خدا آبرویی در دنیا به ما داده، از دوستان خود در دنیا برای دور زدن تحریم‌ها استفاده می‌کرد و دارو و مواد اولیه وارد می‌کرد. به شکرانه آبرویی که خداوند به ایشان داده بود، موکب‌های اربعین راه انداخت و این موکب‌ها را برای کمک به سیل‌زدگان آورد. اینها شکرانه بود و خداوند شکر نعمت را برآورد؛ خداوند عزت و آبروی بسیار به حاج‌قاسم داد. سردار سلیمانی در سال‌های اخیر انقلاب را بیمه کرد.

مکتب سلیمانی مکتبی است که حاج‌قاسم دائماً زبانش مشغول به دعا بود. قرآن می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ؛ بگو که اگر دعای شما (و ناله و زاری و توبه شما) نبود، خدا به شما چه توجه و اعتنایی داشت؟»

مکتب استغفار است. قرآن می‌فرماید: «وَمَا كَانَ‌اللهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ؛ تا استغفار می‌کنند، خدا عذاب‌شان نمی‌کند».

قرآن بسیار تأکید کرده استغفار به درد دفع بلاها می‌خورد. در کرمان به حاج‌قاسم گفتند یکی از دوستان زمان جنگ، اوضاع خوبی ندارد و معتاد شده، توی سر خودش زد و گفت که من کوتاهی کردم که این رفیقم اینطوری شده. گفت من می‌روم خانه‌اش، گفتند: فحش بارانت می‌کند، گفت: نوش جانم. به خانه رفیقش رفت و رفیقش هم هر چه توانست به او فحش داد و حاج‌قاسم گفت که هر چه می‌خواهی بگو تا آرام شوی و در بغل گرفتش و گریه کرد. با هزینه خودش ترکش داد. می‌گفت کوتاهی کردم، جبران می‌کنم. با گریه ترکش داد. به سوریه بردش و الان یکی از بهترین نیروهاست. بعد از شهادت حاج‌قاسم هم خودش گاهی وقت‌ها می‌گوید من به برکت حاج‌قاسم آزاد شدم و اکنون در حال خدمت است.

استغفار زبانی نیست، باید جبران کنید. کوتاهی کردید، باید جبران کنید. ۴۴ سال است در معرفی ولایت کوتاهی کرده‌ایم.

حاج‌قاسم اگر می‌گوید سرباز ولایت هستم، من و شما تا ولایت را برای مردم تبیین نکنیم، چطور می‌توانیم سرباز ولایت را معرفی کنیم.

استغفار کنیم برای اینکه کوتاهی کردیم. ولایت چیست و چرا باید ولایتمدار باشیم؟ چگونه باید ولایتمدار باشیم؟ استغفار کنیم بر این کوتاهی‌ها.

سبب معنوی بعدی «قرآن» است. می‌فرماید: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا؛ و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم؛ و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید».حاج‌قاسم انس ویژه‌ای با قرآن داشت.

سبب بعد در اسباب معنوی، تقواست. تقوا یعنی مراقبت. حضرت آقا راجع به حاج‌قاسم فرمودند که در میدان جنگ هم اهل مراقبت بود.

سبب معنوی بعدی، توسل به اهل بیت(ع) است. حاج‌قاسم اهل روضه و اشک بود. در ضریح امام رضا(ع) تصویر ایشان را دیدید، بیت‌الزهرای کرمان هم شاهد این معناست. در سوریه ببینید در میان بچه‌های مدافعان حرم چه روضه‌هایی راه انداخته بود.

آخرین و اصلی‌ترین سبب معنوی هم ولایت است.

مکتب شهید سلیمانی، مکتب توسل به اسباب مادی و معنوی است. در اسباب مادی جزو بهترین فرماندهان بود. جزو حاذق‌ترین و باتجربه‌ترین فرمانده‌ها بود.

این مکتب شهید سلیمانی را اگر می‌خواهیم بگوییم، باید این اسباب معنوی را برای مردم بگوییم. مردم اسباب مادی را خوب می‌دانند. برای مثال می‌دانند آب بخورند تشنگی برطرف می‌شود اما نمی‌دانیم آب را اگر با دستور قرآن بخوریم چقدر برکات بیشتری دارد. آب را بسم‌الله بگوییم چقدر برکات بیشتری دارد و باید این مسائل را برای مردم بگوییم.

مکتب شهید سلیمانی، مکتب خواستن و توانستن است. فرق آدم‌ها در این است که چه بخواهیم. خداوند گفته هر چه شما بخواهید من کمک‌تان می‌کنم؛ «إِنَّ‌اللهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». این آیه را امام بزرگوار مدلِ جدید معنا کردند و شاید کمتر شنیده باشید. امام فرمودند معنای این آیه این است که اراده خدا پشت اراده مردم است. مردم اراده کنند و بخواهند بالا بروند. خداوند می‌گوید من شما را نصرت می‌دهم؛ «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ‌اللهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ».

هر کسی بخواهد بالا برود، خداوند او را نصرت می‌دهد. اینها آیاتی است که می‌گوید اگر تو بخواهی بالا بروی، من کمکت می‌کنم؛ تا جایی که کسانی مثل حاج‌قاسم و حسین پورجعفری که معصوم نیستند رفتند و همسایه معصومین شدند. هر کسی در هر زمان حیاتش ولایتمدار باشد، با انبیا و اولیا در قیامت هم‌نشین است.

اگر ما امروز ولایتمدار باشیم، دیروز هم ولایتمدار بوده‌ایم و فردا هم ولایتمدار هستیم.

اگر امروز بهانه‌گیر باشیم، دیروز هم بهانه‌گیر بوده‌ایم و فردا هم بهانه‌گیر خواهیم بود.

خاطره‌ای از حضرت امام بگویم. بعد از عملیات کربلای ۵ یک عده از رزمندگان برای دیدن امام به حسینیه جماران آمدند. امام برنامه‌شان این بود که رزمندگان که به حسینیه می‌آمدند و ابراز احساسات می‌کردند، برای برخی حرف می‌زدند و برای برخی دست تکان می‌دادند و می‌رفتند. پس از این دیدار خیلی بچه‌ها حال و هوای خوبی داشتند و فریاد زدند امام چند دقیقه برای ما حرف بزنید. امام دستی تکان دادند و با یک حال محزونی رفتند. بچه‌ها داد می‌زدند و به سیداحمد آقا که کنار امام بودند می‌گفتند به امام بگویید ۱۰ دقیقه برای ما حرف بزند. سیداحمد رفت شفاعت کند و خواست شفی شود. گفت به امام که عرض کردم، امام گفتند احمد بغض گلویم را گرفته. گفتم چرا؟ فرمودند وقتی این بچه‌ها را دیدم اگر تعدادی از این بچه‌ها مدینه بودند کسی نمی‌توانست به مادر ما جسارت کند. کسی نمی‌توانست در خانه مادر ما را آتش بزند. کسانی که در خط جهاد، ولایت و شهادت بودند، دیروز هم بودند در همین خط بودند و تماشاچی نبودند. فردا هم باشند، در همین خط خواهند بود. لذا خیلی از شهدا مثل حاج‌قاسم رفتند نفس تازه کنند و برگردند و برای یاری امام زمان بازمی‌گردند. رجعت مخصوص معصومین نیست، مخصوص بسیاری از خوبان هم هست. کسانی که هنوز انرژی دارند، کار کنند.

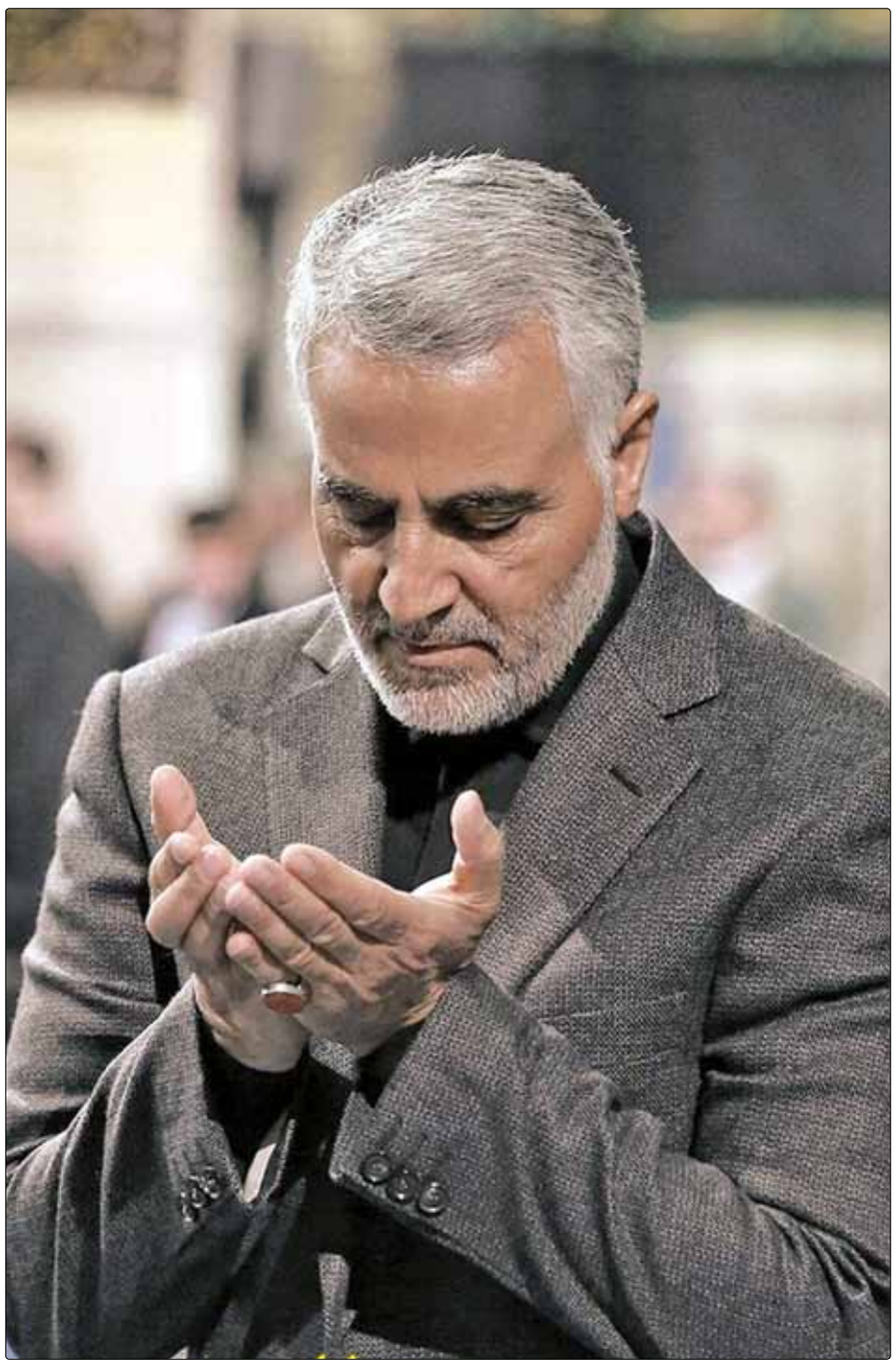

مکتب حاج‌قاسم، مکتب خواستن و توانستن است. خداوند می‌گوید شما بخواهید بالا بروید، من شما را نصرت می‌دهم. شما بخواهید پایین بروید، باز هم نصرت می‌دهم.

مکتب شهید سلیمانی مکتب اراده پرواز است. خواستن توانستن است. خداوند می‌گوید تو اراده کنی پرواز کنی، من بال و پر تو می‌شوم تا پرواز کنی. امام حسین(ع) فرمودند: هر کسی پرواز کند، خداوند بال و پر او شده است.

آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم می‌فرماید در کفرستان خانه فرعون، آسیه اراده کرده عبد خدا شود، خداوند به او کمک کرده و شده ضرب‌المثل مومنان. در خانه وحی حضرت نوح و حضرت لوط، پسر نوح و همسر لوط اراده کردند سقوط کنند و هر ۲ ضرب‌المثل کفار شدند.

زور اراده از محیط بیشتر است. تأثیر اراده از محیط بیشتر است. آسیه در محیط خراب اراده کرد پرواز کند و خداوند به او کمک کرد. همسر لوط و پسر نوح در محیط وحی اراده کردند که سقوط کنند و سقوط کردند.

حتی در صبح عاشورا اراده کنید و از توبه استفاده کنید و به جاده امام حسین بازگردید، خداوند کمک‌تان می‌کند.

اراده پرواز ۳ شرط دارد؛ چه بخواهم؟ اکنون من و شما چه می‌خواهیم؟ متاسفانه خواسته بخشی از جامعه این است که خداوند یک همسر و فرزند و شغل و درآمد بدهد کافی است. حاج‌قاسم از خدا خواست در پروژه تو به کار گرفته شوم.

دوستان جهادی محضر آقا بودند و آقا گفتند چشم‌انداز شما چیست. هر یک پاسخی دادند. آقا گفتند چشم‌انداز بچه مجاهد بسیجی باید «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» باشد.

خدا می‌گوید یک پروژه‌ای در عالم دارم و هیچ محدودیتی در جذب نیرو ندارم. هیچ محدودیت صنفی، سنی، جنسی ندارم و قراردادی هم نوشته که هیچ کجای عالم نمونه ندارد. قرارداد خداوند این است که تو با تمام وجود برای من کار کن، من با تمام خدایی برای تو کار می‌کنم و این مکتب شهید سلیمانی است.

مکتب شهید سلیمانی یعنی کربلا؛ یعنی گذشت از هر چه هست. مکتب شهید سلیمانی یعنی برای خدا کارگر باشید و خداوند شما را تا بی‌نهایت پرواز می‌دهد.

مکتب شهید سلیمانی مکتب کار برای خداست. شما اراده کنید.

من و شما باید بخواهیم آنچه را خدا می‌خواهد. در دعای عرفه جمله‌ای است که «إِلَهِي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي وَ بِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي»

«خدایا! مرا با تکیه بر تدبیرت از تدبیر خودم بی‌نیاز گردان و به اختیارت از اختیارم غنی کن». لذا همه به امام حسین گفتند نروند ولی گفتند همان که خداوند از من خواسته را من می‌خواهم.

این روزها عرف دارد بر ما غلبه می‌کند. حاج قاسم با عرف زندگی نکرد؛ در دیدار با پوتین کنار اتاق روزنامه پهن کرد و نماز خواند، فقط دید خدا چه می‌خواهد.

فهم حاج قاسم این بود که هیچ چیز بالاتر از رضای خدا نیست و می‌دانست اگر خدا راضی شود، خدا میزبان خصوصی او هم می‌شود. رمز اینکه ما پرواز کنیم، فهم چه خواستن از قرآن و ولایت است.

کسی که عقلش با چشمش باشد، ضرر می‌کند چون فهمش ظاهری است. بصیرت یعنی مردم باطن نماز را ببینند. اگر باطن نماز را دیدند، می‌فهمند باطن نماز ارتباط با خداست.

مکتب حاج‌قاسم مکتب تنظیم اراده خود با اراده الهی است. امام در نخستین اطلاعیه خود با این آیه شروع کرد: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا؛ بگو «شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه: ۲ نفر ۲ نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید، سپس بیندیشید».

این آیه می‌گوید انقلاب یک نفری هم پیروز می‌شود. اگر اراده ما به سمت اراده خدا رفت، انقلاب یک‌نفره یا صدهزار نفره پیروز می‌شود ولی اگر منهای خدا شدیم، همه دنیا هم طرف شما بیایند، پیروز نمی‌شوید.

مکتب حاج‌قاسم مکتب تنظیم اراده و فهم خود با اراده الهی است.

در برخی عرصه‌ها کم‌کاری کردیم. می‌توانستیم در این ۴۳ سال از ظرفیت مسجد، هیات و منبر و رسانه و اربعین و محیط‌های مختلف استفاده کنیم و خدا هم پشتیبان من و شماست اما از این فرصت‌ها استفاده نکردیم.

خدا از حاج‌قاسم ریاکاری نخواست، اخلاص خواست. تنبلی نخواست، جهاد خواست. تجمل‌گرایی نخواست، ساده‌زیستی خواست. تکیه به بیگانگان نخواست، تکیه به خدا خداست و حاج قاسم اینها را فهمید.

خداوند فرموده مقتداهایی را گذاشتم که پشت سر اینها حرکت کنید؛ مشخص است. چگونه خواستن یعنی ولایتمداری عملی؛ اطیعوالله و اطیعوا الرسول.

مکتب شهید سلیمانی مکتب چه بخواهم، آنچه خدا می‌خواهد است. چگونه بخواهم، آنگونه که ولی خدا عمل می‌کند.

هر طور ولی خدا عمل کرده، ما هم عمل کنیم که می‌شوم اقتدا.

تا کجا بخواهم؟ تا جایی که ولی خدا بخواهد. خواستن شما با خواستن خدا باشد، خداوند توان بی‌نهایت به شما می‌دهد.

■ با شهادت سردار سلیمانی شاهد ابراز احساسات و عاطفه زیادی از جانب طیف‌های مختلف مردم با سلایق و عقاید مختلف بودیم. در ایام شهادت این سردار شهید باز شاهد این ابراز احساسات از جانب مردم هستیم و این حس و حال برای مردم تکراری و کهنه نمی‌شود؛ به نظر شما علت آن چیست؟

ببینید! خداوند متعال انسان‌ها را با فطرت‌های پاک خلق کرده است؛ «فِطْرَتَ‌اللهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» از طرفی هم خداوند یک قیامت درون، در وجود همه انسان‌ها گذاشته است؛ «لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ».

این فطرت پاک انسان‌ها، این قیامت و محکمه درونی انسان‌ها نمی‌تواند به انسان‌ها دروغ بگوید. تمام اعتقادات توحیدی، صحنه‌های توحیدی، واقعیت‌های توحیدی، اشخاص توحیدی و اعمال توحیدی را با تمام وجود تحسین و پذیرش می‌کند.

اما چرا بسیاری از مردم اینگونه خلاف حق و حقیقت حرکت می‌کنند؟ دلیل آن این است که متأسفانه طبیعت حیوانی ما، گاهی فطرت توحیدی ما را از میدان به در کرده و بر آن غلبه می‌کند. این جنبه حیوانیت ما و نفس اماره، وجدان توحیدی ما را تعطیل می‌کند و با اینکه چشم ظاهر می‌بیند اما چشم باطن را کور می‌کند و عقل ما ظاهربین می‌شود و از باطن دور می‌شود ولی وقتی صحنه‌ای مثل عاشورا یا شهادت حاج‌قاسم سلیمانی اتفاق می‌افتد، حتی برای فرصت کوتاهی فطرت و وجدان توحیدی مردم بیدار می‌شود و ظالمان را محاکمه می‌کند، لذا ترور حاج‌قاسم سلیمانی را مردم ایران و دنیا محکوم کردند. انسان‌های آزادی‌خواه و صاحب فطرت و وجدان بیدار وقتی در برابر چنین صحنه‌ای قرار بگیرند، ناخودآگاه طرف مظلوم را می‌گیرند و با ظالم دشمن می‌شوند. آیه ۶۵ سوره عنکبوت می‌فرماید: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُااللهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ هنگامی که سوار بر کشتی شوند خدا را با اخلاص می‌خوانند». انسان در سخت‌ترین مشکلات هم فطرتش و محکمه وجدانش بیدار می‌شود و فقط خدا و حقیقت را صدا می‌زند. شهادت حاج‌قاسم به همه دنیا نشان داد مقاومت حاج‌قاسم حق بود، دفاع حاج قاسم حق بود، خط حاج‌قاسم حق بود و از آن طرف دشمنان حاج‌قاسم باطل بودند. این فطرت توحیدی انسان‌ها و محکمه وجدان درونی انسان‌هاست که می‌توان روی آن حساب کرد.

نکته دیگر این است که همان‌گونه که عرض کردم خواستن، توانستن است اما یک حلقه مفقوده بین خواستن تا توانستن است. درست است که روایت می‌گوید «من جَدّ، وَجَدَ؛ هر که بخواهد می‌رسد» اما مهم آن حلقه دانستن است. اگر بخواهیم و بدانیم و درست هم بدانیم، توانستن ما هم اتفاق می‌افتد. اما اگر بخواهیم و دانست‌مان ناقص یا باطل باشد، توانستن ما هم در جهت باطل می‌شود، لذا انسان‌هایی از معصومین و غیرمعصومین که تا بی‌نهایت سیر صعودی داشتند، هم خواستند و هم دانستند لذا موفق شدند و توانستند.

این نکته بسیار مهم است. آیه ۶۹ سوره نسا بیانگر این نکته است که غیرمعصوم هم اگر بخواهد می‌تواند تا بی‌نهایت پرواز کند، به شرطی که بداند مسیر پرواز تا بی‌نهایت چیست و خدا هم به او توان بدهد و کمک کند تا بی‌نهایت پرواز کند. «وَمَنْ يُطِعِ‌اللهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ‌اللهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا؛ و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز) همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان؛ و آنها رفیق‌های خوبی هستند».

حاج‌قاسم سلیمانی عزیز خواست پرواز کند. دانست که پرواز و حرکت به سوی حق‌تعالی زیباست و خدا هم به او توان داد، لذا در کنار انبیا و اولیا و صالحان قرار گرفت. بنابراین مهم این است که خواست ما خواست خدا باشد، تا دانسته‌های‌مان هم دانسته‌هایی باشد که خدا می‌دهد و توان‌مان هم به توان خدا گره می‌خورد. کسانی که به دنبال خواسته‌های نفسانی و شیطانی می‌روند، دانسته‌های‌شان هم دانسته‌های الهی نیست و بلکه شیطانی است و اینها تا اسفل‌السافلین سقوط می‌کنند و تا «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» هم پیش می‌روند. در واقعه عاشورا، امام حسین(ع) تا بی‌نهایت پرواز کردند و جبهه مقابل امام حسین(ع) تا اسفل‌السافلین سقوط کرد. در درگیری حاج قاسم هم با تروریسم بین‌المللی یعنی آمریکا، حاج‌قاسم تا بی‌نهایت پرواز کرد و دشمن تا اسفل‌السافلین سقوط کرد. پس رمز موفقیت حاج‌قاسم این است که خواست او، خواست خدا بود. خواست خدا این است که ما خلیفه‌الله شویم؛ «وَ إِذْ قالَ رَبُّكَ لِلْمَلائِكَةِ إِنِّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً». از طرفی مسیر خلیفه الهی را هم برای ما مشخص کرده است؛ «انا هَدَيناهُ السَّبيلَ اِما شاكِراً وَ اِما كَفوراً». همچنین ما را هم مجبور نکرده است؛ «لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ». خداوند متعال به ما فرموده توان خود را به توان خدا گره بزنید و خواست، اراده، علم و آگاهی خود را از خدا بگیرید، آنگاه توان‌مان به توان خدا گره می‌خورد؛ «الَّذِينَ جاهَدُوا فِينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا». دانستی‌های‌مان را به دانستی‌های الهی گره بزنیم؛ «إِنْ تَنْصُرُوااللهَ يَنْصُرْكُمْ»، خدا هم کمک‌مان می‌کند. پس مهم این است که خواستن‌های‌مان را در مسیر خواسته الهی ببریم و مطیع دستورات خدا باشیم.

■ اگر جوانان و نوجوانان ما بخواهند راه حاج‌قاسم و مکتب حاج‌قاسم را ادامه دهند چه باید کنند و چه مسائلی را رعایت کنند؟

برای اینکه بتوانیم در این مسیر که حاج‌قاسم نمونه خوبی از آن است گام برداریم، باید از تقویت اراده‌ها شروع کنیم. خواست ما عمدتا بر پایه این عقل ظاهربین است اما اگر می‌خواهیم عقل‌مان درست ببیند، باید عقل‌مان را به وحی و دین پیوند بزنیم.

عقل‌مان به هر چه می‌خواهد برسد، باید ابتدا از دین بپرسد تا دین به آن یاد دهد که چگونه، چقدر و چطور بخواهد، چون قرآن می‌گوید «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ». پس اول مردم باید بدانند عقل کامل نیست و عقل با وحی کامل می‌شود و دست‌شان باید در دست دین، مسجد، روحانیت و ولایت باشد. حاج‌قاسم سلیمانی یک روستازاده بود اما همیشه با مسجد، ولایت، روحانیت، قرآن و عترت مرتبط بود.

بنابراین در قدم اول، فهم دینی و ولایی می‌خواهیم تا درست بخواهیم. سپس عمل دینی و ولایی می‌خواهیم (أَطِيعُوااللهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ) تا درست عمل کنیم و درست قدم برداریم، بعد استقامت دینی و ولایی می‌خواهیم تا درست به نتیجه برسیم؛ «إِنَّ الَّذِينَ قالوا رَبُّنَااللهُ ثُمَّ اسْتَقاموا تَتَنَزَّلُ عَلَيهِمُ الْمَلائِكَةُ». راه تکرار پروژه شهدا و حاج‌قاسم، فهم دینی و ولایی، عمل دینی و ولایی و استقامت دینی و ولایی در همه موضوعات زندگی است. به همین دلیل حاج‌قاسم گفت من سرباز ولایت هستم، لذا ما اگر سرباز دین و ولایت درست کنیم، حاج‌قاسم‌ها زیاد می‌شوند.